

درنگی بر فرهنگ مردم (فولکلور)

کبری رحیمی^۱، سعدالله رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد مطالعات زنان

^۲ دانشجوی دکتری ادبیات فارسی

چکیده

تدوین مقاله تحلیلی با تبیین بخشی از ادبیات در فرهنگ مردم انجام شده است. یافته ها نشان می دهد، جمع آوری فولکلور به زمانی دیرتر از آنچه تا کنون نوشته شده در ارتباط است؛ با همه تفاوت ها درباره شکل ها و شیوه انتقال فرهنگ براساس وجوه مشترک، فولکلور به آن بخش از دانش و هنر گفته می شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان، از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و بسیاری شاهکار های ادب فارسی جنبه تعلیمی دارند و با زبان عامه مردم عجین شده اند. (گلستان سعدی) گویی، پیامد مهم این است که بدون سفارش باید هرکس درست و حسابی چکیده زمان خود باشد و در نتیجه توجه به فرهنگ مردم به منظور ذوب نشدن سنت، آداب و رسوم و تاریخ موروث است، و هدف پیشگیری است یا حداقل اینکه روند رو به فراموشی پیشینه ملت در چالش با سرعت سرسام آور و وسعت دامنه اطلاعات مدرن، کند شود. یافته ها نشان می دهد که فولکلور آگاه بخشی و همفهمی و وحدت به همراه دارد.

واژه های کلیدی: فولکلور، فرهنگ، مردم

۱. مقدمه

معنی لغوی واژه فولکلور از دو بخش فولک و لور به معنای دانش آمده است. این واژه تفاوت ها و دریافت ها از جنبه های آگاه و نیمه آگاه سیلان و تداعی معانی های بی پایان را منعکس می کند. فولکلوریک پیوند خود را از همان ابتدا در لالایی ها و شب خوانی های مادران بر بالین نوزادان همراه کرده است، که جنبه غنایی سرودها و آواز ها هنوز هم از فراسوی زمان و از کلبه های زماندار مردم و ملت ها به گوش می رسد، غنایی که در اروپا تروبادورها و در ایران عاشوق ها و چوپانان و گله داران و حتی کشاورزان در روی چوب های خیش خود حفظ کرده اند و یا صیادان ارتزاق جو برای آیندگان به یادگار گذاشته اند. از دوران مادرسلاری که شاعران و گویندگان داستان های شبانه همه را به پاس قدردانی ملکه مادر می سروده اند و احساسات وجودی و مهری خویش را نثار می کرده اند، هنوز هم آواز فولکلوریک ادامه دارد. غنای عاشقانه و احساس ها در ورای ارزش های نهفته در ذهن مردمان به دوران شهر نشینی ملحق است، که به شوق و ذوق بشر دوستانه منجر می شود؛ که بنیادش بر فرهنگ توده ها جمع و جمع آوری می گردد.

۲. پیشینه

در کتاب های مردم شناسی، هرودوت مورخ یونانی نخستین فردی است که در کتاب تاریخ خود درباره آداب و رسوم ملتها مطالبی نوشته است. نیز، در قرون وسطی مورخان و سیاحان و جغرافی دانان در کتاب های خود به مسائل فرهنگ عامه توجه داشتند و برخی واژه ها، رسوم و آئین های مردم را ثبت کرده اند. نویسندگانی مانند ابوریحان بیرونی و ابن خلدون مطابق روش ها و اصول خاصی که از نظر علم مردم شناسی امروزی هم معتبر است، درباره امور عامه بررسی و تحلیل نموده اند؛ همچنین ابوالحسن علی بن حسین مسعودی در قرن چهارم هجری در مروج الذهب و معادن الجواهر به کتابی از ابو عقال دبیر اشاره می کند که این کتاب اختصاص به فرهنگ عامه داشته است. ارسطو آن را از شعور مردم دانسته است. بنابراین، جمع آوری موضوع های فولکلوریک به دوره هایی دورتر از آنچه تا کنون نوشته اند مرتبط است. با آنکه از اشکانیان در داستان های حماسی ایرانیان، از جمله در شاهنامه، کمتر نام برده شده است اما، بسیاری از داستان های شاهنامه یادآور دوران اشکانیان هستند. با آنکه حکومت بعد از اشکانیان، یعنی « ساسانیان با شدت فراوان از احیا ذکر و آثار شاهان اشکانی جلوگیری می کردند با این حال یاد سلاطین جنگاور و میهن دوست اشکانی که در نگاهبانی ایران و رهانیدن آن از مخاطرات فراوان زحمات بسیاری محتمل شدند، از خاطر ایرانیان محو نشد و به بهترین نحوی در داستان های ملی ما باقی ماند.» [۱] در ایران به گفته ابوالقاسم انجوی شیرازی « اولین فردی که مسائل فولکلوریک را گردآوری و تالیف نمود جمال خوانساری است؛ وی تحقیقاتش را در عقاید النساء تدوین نمود. عقاید النساء توجه مردم را جلب کرد و در میان عامه به اسم کلثوم ننه شناخته شده و دارای نثری شیوا و آمیخته به طنز است و برخی آداب و معتقدات زنان دوره صفویه در آن نوشته شده است» [۲] از آن سوی، همکاری پژوهشگران غیرایرانی و ایرانی با تفاوت در درک یکسانی از فرهنگ های مردمی تا اندازه ای تامل می طلبد. یکی از مهمترین منابع فولکلوریک ایران سفرنامه هایی است که مستشرقان و سیاحان اروپایی و غیراروپایی درباره ایرانیان نوشته اند. سفرنامه های تاورنیه، شاردن، مادام دیو لافولا، اوون فلاندن، کلاویخو و کتاب تاریخ کیانیان اثر کریستین سن دانمارکی و سه سال در دربار ایران اثر فوریه و ده ها اثر دیگر از جمله بررسی هایی که می توان ذکر نمود. برخی از محققان غربی به تحقیق و تفحص علمی و دقیق در فرهنگ عامه ایران پرداخته و آثار ارزشمندی عرضه کرده اند. ماسکویچ در ۱۹۳۴م. مجموعه ای از افسانه های عامیانه ایرانی را بررسی کرده است. گرچه در گذر زمان انقلاب مشروطیت سبب تحول در شیوه های سخن گفتن و نوشتن به

زبان فارسی شد و فرهنگ عامیانه از ارزش و پایگاه بهتری برخوردار گشت اما، در این دوره برای روشن شدن اذهان مردم صحبت کردن به زبان ساده تری که قابل فهم عوام باشد ضرورتی اجتناب ناپذیر می نمود و پیروی از زبان رسمی و کلاسیک گذشته موجب تاثیرگذاری کمتر نوشته ها می شد. اولین فرد قبل از مشروطیت سید جمال الدین واعظ مشهور به اصفهانی است که در مکان های متعدد وعظ و خطابه های خود در اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و پایتخت به گونه ای فردی به زبان عامیانه صحبت می کرد. روزنامه های عصر نیز در ترویج زبان موثر واقع شدند. همچنین روزنامه فکاهی کشکول که به همت شیخ احمد کرمانی به زبان فارسی ساده و معمولی منتشر می شد روزنامه فکاهی حشرات الارض در تبریز، روزنامه نسیم شمال، روزنامه شاهسون چاپ استانبول، نوشته های علی اکبر دهخدا با نام چرند و پرند و نوشته های ایرج میرزا از جمله نمونه هایی بودند که به ترویج زبان و ادبیات عامیانه کمک کردند. « عده ای از محققان ایرانی در ابتدای قرن حاضر بین سال های هزار و سیصد و هزار و سیصد و چهل به گردآوری موضوعات فرهنگ عامه پرداختند. به عنوان مثال امیرقلی امینی دو کتاب تحت عناوین هزار و یک سخن در امثال و حکم و فرهنگ در زمینه ادبیات عامیانه تالیف نمود. فضل الله صبحی مهدی به گردآوری قصه ها و افسانه های عامیانه مناسب کودکان و نوجوانان پرداخت و چند اثر در این زمینه تدوین کرد. محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، محمد مکر، حسین کوهی کرمانی، محمد پروین گنابادی، محمد بهمن بیگی، محمود دانشور، صادق کیا، محمد جعفر محبوب، یحیی ذکا، علی بلوکباشی، صادق همایونی، جلال آل احمد، احمد هاشم پور و دیگرانی تا کنون در زمینه ادبیات عامیانه و فرهنگ عامه کتابهایی منتشر کرده اند. فعالیت در زمینه فرهنگ عامه در ایران چنان گسترش یافت که اکنون بیش از صدها کتاب و مقاله در این مورد نوشته شده است. عمده آثار و تحقیقات انجام شده در این زمینه در دو کتاب به نام های کتاب شناسی فرهنگ عامه و مردم شناسی ایران تالیف محمود زمانی و علی بلوکباشی و فهرست مقالات مردم شناسی گردآوری شده و در موسسه مطالعات و پی نوشت های اجتماعی دانشگاه تهران درج گردیده است. محمود کتیرایی، پژوهشی ارزنده درباره بخشی از فولکلور مردم تهران دارد که عنوان بسیار با مسما و زیبای «از خشت تا خشت» را برای آن انتخاب کرده است. [۳] ادبیات فارسی افزون بر زیبایی، فصاحت و بلاغت، ذخیره با اهمیت اطلاعاتی برای درک سیر تحول فرهنگی و تغییر ساختارهای اجتماعی است. آنچه در افزایش یا کاهش اهمیت پژوهش فرهنگ مردم بسیار موثر است، رویکرد مقامات رسمی نسبت به موضوع است. تمایل به محدود کردن یا بلوکه نمودن موضوع های مردم پسند به مسایل حوزه های متعدد بویژه دینی و افزایش شمار کتاب ها و گردآوری ها در این زمینه پس از انقلاب رویکرد غالبی بوده است که بسیار دیده شده است. نوزایی علاقه به هنرهای دراماتیک مذهبی و به ویژه تعزیه از این لحاظ گویاست، همچنان که تغییرات در کتاب های درسی مدارس دیده می شود. در محتوای ادبیات تعلیمی بیشتر با این رویکرد مواجه هستیم. مسایل اخلاقی، مذهبی و فلسفی در اشکال ادبی عرضه می شود. جهان سیال ذهن از تکنیک هایی است که در ادبیات امروز مرسوم شده است. در سیر تحولات جاری جامعه ایران، از شاعران معاصر که در فولکلوریک و الگوی مناسب برای جامعه و مردم خود کار کرده اند احمد شاملو (۱. بامداد) موفق شده است در وزن، شکل و روح و مضمون ترانه های عامیانه آثار ادبی به وجود آورد مانند ترانه پریا، کوشش احمد شاملو نشانه ثمر بخشی تلاش هایی در این زمینه است که سال ها انجام شده است. از لحاظ فکر و مضمون در آثار اصیل و مهم خود، تاجایی به نوآوری پرداخته که از طبیعت اندیشه و خیال و ذوق و حال ایرانی خارج نشود، یعنی بی هیچ تکلفی از دریچه دیدگاه و مشهودات و مدرکات و محسوسات خود به گلستان شعر نگریسته و گلچینی امین و صدیق از بوستان تأثرات و تخیلات خود بوده است، بی آنکه درصدد برآید مضمون و فکر را در آثار خود از گذشتگان بگیرد، یا اینکه برعکس بخواهد برای ارضای هوس نوآوری و تجدد اختراع فکر و مضمون نامأنوس و اظهار و ادعای احساسات غریب و شگفت

انگیز داشته باشد. محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) گذشته از استادی در سرودن انواع شعر در غزل های از دل برآمده و مردم پسند و ساده و با شیوه مخصوص، مانند: علی ای همای رحمت، ساز صبا، چراغ عشق، شمشیر قلم، کنج فنا و بیش از اینها در ابداع تابلوهای رنگین و توصیف دقیق شاعرانه؛ از قبیل تخت جمشید، افسانه شب، هندیان دل مهارت دارد. بکار بردن استادانه زبان و اصطلاحات و تعبیرات عامیانه و زبان محاوره در شعر که شاهکار شعرآذربایجانی، حیدر بابا یه سلام بهترین گواه این مطلب است. نیز در ابداع و آفرینش آثار عاطفی بسیار عمیق؛ ای وای مادرم. بعضی از آثار دیگر شهریار چون پیام انیشتین و بهشت گمشده و دخترک گلفروش و شاعر افسانه نیز شاهکارهای بزرگ در قالبی کوچک نهفته دارد و هریک از لحاظ محتوا و اشتغال بر موضوعی عاطفی و انسانی یا فلسفی یا نمایندگی سبک مخصوص شاعر اثری پرارزش و شایان توجه محسوب می شود. هر چند می توان نخستین شکل های این پژوهش را تا عصر صفویه نیز دید، اما بهتر است آغاز آن را با جهانگردان غربی در سده هفده پیش برد؛ کنکاش این جهانگردان در کنار استراتژی قدرت های بزرگ، عاملی در تقویت مطالعات بر زبان فارسی بود، به ویژه که بریتانیا دارای منافع گسترده در هندوستان بود و زبان فارسی در این کشور هنوز قدرت خود را به مثابه یک زبان میانجی و زبان روشنفکران حفظ کرده بود. روس ها، همسایگان شمالی ایران نیز منافع استراتژیکی در تقویت مطالعات ایرانی داشتند. نخستین مطالعات ایرانی با اوستا شناسی آغاز شد. در این زمینه کوشش های ارجمند ابراهیم پور داوود که خالی از گفتار عامیانه مردم هند و ایران نبود برکات زیادی برای تحقیق در حوزه زبان شناسی و نیز مردم شناسی ایران فراهم نمود. همزمان، گردآوری داستان ها و فرهنگ عامه در ایران نیز آغاز شد. در این حوزه می توان به کسانی چون دیپلمات لهستانی، آلکساندر خودزکو و دانشمند دانمارکی، آرتور کریستین سن و دانشمند فرانسوی هانری ماسه اشاره کرد. البته برای برخی از این افراد مطالعات فولکلوریک جنبه نوعی سرگرمی در کنار مطالعات جدی دیگر را داشت. ایرانیان در سده نوزده تمایل زیادی که به نوآوری های غربی پیدا کرده بودند و به دلیل آنکه فولکلور را نوعی سنت و مخالف با پیشرفت تلقی می کردند مایل نبودند به مطالعه در این زمینه بپردازند و تنها در دوره انقلاب مشروطه و به دلیل احساسات وطن پرستانه بود که تمایل به این مطالعات نیز شکل بهتری گرفت می توان به محمد علی جمال زاده و علی اکبر دهخدا، صادق هدایت و بعدها صمد بهرنگی و جلال آل احمد اشاره نمود. در سال ۱۳۳۷ اداره فرهنگ عامه وزرات فرهنگ و هنر تاسیس شد و از سال ۱۳۴۹ به صورت مرکز ملی پژوهشگاه مردم شناسی و فرهنگ عامه در آمد از جمله بنیاد گذاران آن دکتر علی بلوکباشی. این گروه به ویژه با انتشار تک نگاری هایی زیاد و مجله مردم شناسی و فرهنگ عامه نقش مهمی در اعتلای این دانش داشتند. انجوی شیرازی مجموعه ای با عنوان گنجینه فرهنگ مردم را به وجود آورد و کتابی را نیز با عنوان طرز نوشتن فرهنگ عامیانه برای کمک به تهیه و گردآوری فولکلور به انتشار رساند. مجموعه ای که او فراهم کرد امروز یک گنجینه بزرگ است. در این دوره یعنی در دهه ۱۳۵۰ به دلیل حمایت دولت، دانش فولکلور توانست رشد زیادی داشته باشد و تشکیل کنگره بین المللی فرهنگ عامه ایران در تابستان ۱۳۵۶ گویای این امر است. پس از انقلاب از سال ۱۳۶۴ سازمان میراث فرهنگی بار دیگر مطالعات در این زمینه را آغاز کرد و به همت محمد میرشکرایی پژوهشکده مردم شناسی در این مرکز، فعالیت های آموزشی در سطح کارشناسی ارشد و پژوهش های میدانی متعددی را انجام داد. مرکز فرهنگ مردم نیز امروز به اداره رسانه ملی پیوند خورده است. در دوره پس از انقلاب، نخستین مجله علمی در زمینه فولکلور شناسی، مجله فرهنگ مردم است که سید احمد وکیلیان، متخصص فرهنگ عامه، آن را منتشر می کند. ترانه ها، سنت و آداب و رسوم عامیانه فارسی متداول در شهرستان بافت واقع در استان کرمان را از جهت وزن، قافیه، مضمون و سبک هنری مورد تحلیل قرار داده و این داشته های پربها را از

جهت مضمونی آن به چند گروه تقسیم کرده و هنر بزرگ حفظ و ترویج این زوایا از فرهنگ مردم است که بدان پرداخته شده است.

چنان که زیره به کرمان برند و کاسه به چین / که می برد به عراق این بضاعت مزجات

امروزه فولکلورشناسان در میان جوامع صنعتی و پیشرفته نیز گونه‌های (ژانر) گوناگونی از ادبیات عامه را مورد شناسایی و پژوهش قرار می‌دهند. امروز حتی در میان تحصیل‌کردگان هر ملت، لطیفه‌ها، هزلیات، مطایبات و ترانه‌هایی وجود دارد که بی‌تردید در ردیف فولکلور قرار دارند. در اروپا در قرن هفدهم حرکت مهمی برای ثبت مسائل فرهنگ عامه به وجود آمد. بالارد فرانسوی در ۱۷۱۱م. مجموعه‌ای از ترانه‌ها و عادات شفاهی مردم را جمع‌آوری نمود. گوتفرد هردر (۱۷۴۴-۱۸۰۳) شاعر و منتقد و فیلسوف آلمانی در آلمان تحقیقات فولکلوریک را توسعه داد. هردر معتقد بود که «شعر فقط از طریق توجه به بافت و زمینه جغرافیایی و قومی و فرهنگی آن قابل درک است و اشعار عامیانه نه تنها زاده فرایندهای عقلی بلکه نتیجه الهامات عارفانه و عواطف شدید هستند. وی عقیده متداول در آن روزگار را که ادبیات یونان را معیار سنجش ادبیات دیگر اقوام می‌دانست رد کرد و بیش از هر چیز به ادبیات قومی از آن جهت که تجلی بخش روح ملی بود، تاکید نمود. به تبعیت از «هردر» محققان کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری بر آن شدند تا روح ملی خویش را در گویش‌های بومی قصه‌های عامیانه و ترانه‌ها و سرودهای محلی که به زبان‌های محلی گفته و نوشته شده بود باز یابند.» [۴] گرچه در اروپا، نخستین بار واژه فولکلور در سال ۱۸۴۶م. توسط باستان‌شناس انگلیسی ویلیام جان تامز با نام مستعار آمبروز مورتون ساخته شد. ویلیام تامز فولکلور را به گونه‌ای نظم علمی می‌دانست که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی است. از نظر وی، این واژه ناظر بر پژوهش‌هایی بود که باید در زمینه عادات، آداب و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی که از ادوار قدیم باقی مانده‌اند، صورت می‌گرفت. «پذیرش این اصطلاح، با مقاومت‌هایی در میان پژوهشگران همراه بود. این مقاومت‌ها بیش از هر چیز، به ابهاماتی مربوط می‌شد که در خود این اصطلاح و نیز تعریف تامز از آن وجود داشت. به رغم چنین مقاومت‌هایی، در زمانی نه چندان زیاد، این اصطلاح در میان اهل علم و نظر مقبولیتی جهانی پیدا کرد. بعدها، در نیمه دوم قرن نوزدهم مردم شناسی به عنوان شاخه علمی جدید فولکلور رفته رفته توسعه یافت. در فرهنگ عامه شناسی تعریف و برداشت خاص علم مردم شناسی از سنت در نظر است، لیکن همیشه به عنوان یک نظام علمی که به موضوع خاصی می‌پردازد و در خود آن موضوع نیز گونه‌ای ابهام وجود دارد به کار رفته است.» [۵]

۳. متن

در کنار دریافت‌هایی که مبتنی بر درکی محدود از مردم یا عامه است، می‌توان به دریافت و تعاریفی که در تعریف واژه فرهنگ با هم اختلاف دارند دست یافت. عده‌ای فقط ادبیات، هنر و سایر دستاوردهای معنوی را مترادف فرهنگ می‌دانند و برخی تعریفی عامتر از آن را مورد نظر قرار داده، مؤلفه‌های مادی جامعه را نیز در ردیف آن می‌شمارند. برخلاف همه تفاوت‌هایی که در این دریافت‌ها و تعاریف وجود دارد، تا حدودی روی یک موضوع اتفاق نظر است؛ یعنی درباره شیوه انتقال فولکلور براساس این وجه مشترک، فولکلور به آن بخش از دانش و هنر گفته می‌شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان، از نسلی به نسل دیگر منتقل درباره این کلمه در فرهنگ بزرگ سخن به این جمله اکتفا شده است که فولکلور فرهنگ عوام است و مثال آورده «شعرت را برای هلن هیتی خواندم اجازه خواست که او هم کمی به آن اضافه کند. از فولکلور امریکا استفاده بکند.» (دانشور:

(۱۹۴) از برگ ۵۴۱۶ کتاب (فرهنگ بزرگ سخن، انوری، ۱۳۸۱). از فرهنگ عامه ای سخن است که جنبه های اجتماعی و تعلیمی و مدنی و تاریخی و عاشقانه و اعتقادی و هنری و حتی خرافی در آن سهم دارند.

جدول شماره ۱

فولکلور	موضوع مقوله ها
شبه جمله های روی تریلی و کامیون و وانت بارها	فرهنگی
یادگارهای نوشته شده بر روی در و دیوار	اجتماعی و عاشقانه
نوشته های روی سنگ قبرها و آرامگاه ها	احساسی، تاریخی
دعا، ورد و طلسم ها	اعتقادی، خرافی
قراردادها، مبیعه نامه و قول نامه های سنتی	اقتصادی
وصیت نامه ها	اعتقادی، حقوقی
هنرعوام	ذوقی و استعدادی
بناهای قدیمی	تاریخی، هنری

این وجه مشترک، اگر چه مبین بخشی از واقعیت است، به خودی خود نمی تواند تعریفی دقیق و جامع باشد. زیرا بسیاری از مواد و عناصر فولکلور به صورت زبانی و شفاهی منتقل نمی شوند. موارد دیگر همه اجزای مهمی از فولکلور هستند که فقط از طریق کتبی حفظ و منتقل می شوند. همچنین می توان درباره هنرعوام و به ویژه رقص، محدودیت تعریف فوق را تعمیم داد. رقص فقط از طریق نگاه کردن و تمرین و ممارست کسب می شود و نمی توان گفت که از طریق زبان منتقل می گردد. همچنان که سرود و آواز اینچنین است. بعلاوه موارد فوق، می توان به دانش هایی اشاره کرد که به رغم آن که به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند، اما در ردیف فولکلور محسوب نمی شوند. همان گونه که دکتر فریدون وهمن، از پیشگامان فولکلور علمی در ایران، بر این باور است به جای کوشش در ارائه تعریف واحدی از فولکلور، بهتر است موضوعات و مقوله های مورد پژوهش فولکلور را مطرح و روی آن توافق شود. به عبارتی، عرصه فعالیت های این علم برای رسیدن به نظری واحد تعیین شود. ادبیات شفاهی بخش مهمی از فولکلور است که برای درک دقیقی از آن ضروری است که توضیحاتی درباره فولکلور ارائه گردد. درباره سنت های گفتاری مجموعه جنبه های اجتماعی ادبیات عامیانه، در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک به صورتی ساده و آرام ادبیات عامه رواج داشته است. در کتاب های تاریخ ادبیات به ندرت بدانها اشاره شده است. از آنجا که ادبیات عامیانه به عوام و توده متعلق است آنها نیز سواد نوشتاری نداشتند و یا سلاطین، حاکمان و صاحبان قدرت امکان و اختیار این کار را به آنها نمی دادند. «فعالیت برای شناخت هر جامعه، چنانچه فقط متکی بر فرهنگ رسمی باشد راه به جایی نخواهد برد. حتی شناخت فرهنگ رسمی جامعه هم وقتی مقدور خواهد بود که فرهنگ عامه آن جامعه، به درستی بررسی و شناخته شود. زیرا فرهنگ عامه متن اصلی زندگی فرد را تشکیل می دهد و بنابراین در کلیه حالات و رفتار و اندیشه های آدمی

اثر می‌گذارد و از این رهگذر فرهنگ غیر رسمی نیز بی‌تأثیر نمی‌ماند» [۶] در فرهنگ زیستی، ادامه فعالیت و زندگی مردم بدون جنبه تفننی و تجملی و مکمل عمل و وسیله ای برای بالا بردن سطح زندگی است که وابستگی ادبیات عامیانه به زندگی و واقعیت اجتماعی آن را به ادبیات واقع گرا مبدل می‌سازد، این فرایند، گاه ساده و بی‌پیرایه و از زندگی مردمی سرچشمه می‌گیرد که هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب هدفی ندارد. فولکلور با توجه به خاستگاه آن یعنی توده مردم و ساده بودن و روانی در طی سال‌ها نقل سینه به سینه، از واژه‌های دشوار و ناهنجار و عبارات نامأنوس و مهجوری که به آسانی نمی‌توان آنها را تلفظ کرد، پیرایش شده است. تعبیرها، کنایه‌ها، تشبیه‌های متداول و اصطلاحات گفتاری مردم، وسیله پرداخت رویدادهای تخیلی یا واقعی است، که گاهی بر آمیختگی واقعیت و خیال، همه جانبه ادبیات عامیانه می‌افزاید. داستان‌های اساطیری و حماسی جهان و ایران از زمان آفرینش تا کنون بسامد بالایی در زمزمه‌های ساده مردمانی دارد که باور به وحدتی یگانه دارند که موجبات رضایت زندگی را برای آنان فراهم می‌آورد و فولکلور برای مردم باورمند اسطوره‌ای رضایت‌آفرین است، زیرا به زبان خود و برای خویش و دیگری حرف می‌زنند. در فولکلور شعرها و ترانه‌ها بر طبق اصول عروض و قافیه بنیاد نشده و تاکید بیشتر بر هجا و آهنگ واژه‌ها می‌باشد. گونه‌های متفاوت ادب عامه نزد مردم در سنین معینی محبوبیت دارد. از آنجا که فرهنگ و سنت و ارزش در جاهای متفاوت، ویژگی‌های گوناگونی دارد، در ادبیات مردمی روایت‌های مختلف یافت می‌شود. از سویی ادبیات عامیانه دشوار و پیچیده درست به زبان جاری نمی‌شود و به آسانی از یاد می‌رود؛ در نتیجه امکان انتقال شفاهی آن از طریق سینه به سینه و نسل به نسل از میان می‌رود و به تدریج فراموش می‌شود بنابراین، باید بی‌تکلف و به دور از پیرایه باشد. طبیعت گرا بودن این نوع از ادبیات با این مطلب گره می‌خورد که عوام در طبیعت زندگی می‌کنند و مدام در حال مبارزه با آن هستند. بعلاوه ادبیات عامیانه ادبیات سیاسی است؛ زیرا انعکاسی از مبارزه همیشگی مردم با ستمگران و صاحبان قدرت است و یا آنکه انعکاسی از آرزوهای حق طلبانه و عدالت خواهی و آزادی خواهی است. ادبیات عامیانه همگام با مقتضیات نسل‌ها دگرگون می‌شود، زیرا همواره حوادث و شرایط جدیدی به وجود می‌آید که اگرچه تغییراتی کند است ولی ثبات همیشگی ادبیات عامیانه را برهم می‌زند و پیوسته آن را تغییر داده و متحول می‌نماید، یعنی به روایتی درمی‌آورد که مردم بفهمند و از آن لذت ببرند.

۴. حکایت امروز و دیروز ادبیات عامه

داستان به سبک غربی در ایران سابقه چندانی ندارد و به دوره مشروطه می‌رسد. [۷] «جمال زاده با نگارش یکی بود یکی نبود نخستین گام را برداشت. و بعد از آن صاق هدایت این شیوه را در ایران رواج داد.» [۷-۱۱] درخشان بودن ادبیات ذهن انسان را تا بی‌نهایت به سوی خلقت زیبایی می‌برد. برخی از داستان‌ها یا قصه‌های عامیانه از شاهان و ملکه‌ها سخن می‌گویند. ممکن است امروز تحقیر شوند، همان طور که در گذشته این گونه ادبیات تقدیر می‌شدند و از پژوهش در زمینه آنها پشتیبانی نمی‌شد. نیز، ممکن است به نظر بیاید که داستان‌های عامیانه از مسایلی سخن می‌گویند چون روابط عاشقانه، باده گساری‌ها و خرافات و جن و پری و بیش از اینها که با موازین و ارزش‌های امروز در تضاد قرار داشته باشند. بنابراین، پژوهش بر ادبیات مردم پسند با چنین مسایل و چالش‌هایی مواجه است. اگر شعر نتواند زیبا و لذتبخش واقع شود، اگر نتواند وسیله نظرهای تسلی بخش در زندگی انسان باشد و ناهنجاری‌ها را، نه چندان که هست، که گاهی با قوت تر از آنچه هست، بیان بدارد، سرباری است به روی زندگی انسانی، اما اشعار فولکلور چنین نیست و چون از دل بر می‌آید لذت بخش می‌شود.

۵. دریافت در سنت ها:

در فرهنگ عامه شناسی، سنت یک واژه بنیادی است که این دانش را از دانش های دیگر متمایز می کند. در زبان فارسی واژه سنت سه کاربرد عامیانه، مذهبی و علمی وجود دارد و فولکلور پرداختن به جنبه های سنتی جامعه یعنی شیوه های اعمال و رفتار و عادات و باورهای سنت است. طیف گسترده این سنت ها را در بعد مادی، که همان ابزارهای موسیقی، جنگی، کشاورزی، حمل و نقل و بیش از اینها باشند، باقی مانده از قبل است. ولی در ابعاد رفتاری، اغلب سنت های رفتاری در گروه رسوم اخلاقی، شیوه های قومی و عرف و عادت جای می گیرند. همچنین، از نظر عینی و سنت های قابل مشاهده فرهنگ عامه می توان سنت های رفتاری را به شعائر و تشریفات، رسوم جشن ها و اعیاد، آئین ها، بازی های عامیانه، عرف و عادات اجتماعی و موسیقی تقسیم نمود. به هر حال، شیوه های قومی، عادات یا روش های سنتی انجام کارها که از شیوه های مطلوب عمل باشند مجاز و یا مورد ترجیح و تمایل جامعه هستند. جشن ها، آداب و آیین ها نمونه هایی از شیوه های قومی هستند. بررسی فولکلور ایرانی و توسعه این خلاقیت ناخودآگاه خلقی تا سطح فعالیت خودآگاه هنری، کاری است که نه تنها در زمینه شعر، بلکه در همه زمینه ها می تواند به رشد هنر ایران کمک جدی کند. آن دسته از رفتارهای اجتماعی که مورد پذیرش جامعه هستند عرف گویند که کمترین فشار اجتماعی اجرای آنها را ضمانت می کند. رفتارهای عرفی در زمره ادب و نزاکت اجتماعی قرار دارند. سنت هایی در قالب کلمات و جملات بیان می شوند دارای جنبه گفتاری است. این سنت ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش ها، فلسفه ها، ارزش ها و نیازهای یک جامعه دارند. در واقع ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و واقعیت ها دارد می گیرد نه از جنبه هنری و زیبا شناسی. به عبارتی مسئله اساسی در ادبیات عامیانه ویژگی های اجتماعی آن است نه ویژگی های هنری. از میان گونه های ادب عامه، داستان ها به خوبی آداب و رسوم، طرز لباس پوشیدن، غذا خوردن، نشست و برخاست، نمای قدیمی شهرها و طبقات اجتماعی موجود در هر زمان و دوره ای را از دوره های بعد معلوم می کند و براساس ویژگی هایی طبقه بندی می شود:

جدول شماره ۲

داستان	ویژگی های اجتماعی نه هنری ادبیات مردمی
تاریخی و رزمی	آثار تاریخی و رزمی، یعنی منظومه ها و شخصیت ها مانند: شاهنامه فردوسی، سمک عیار، ابومسلم نامه، مختارنامه، اسکندرنامه، تیمورنامه، رستم نامه، حسین کُرد شبستری.
مذهبی و دینی	داستانهای مذهبی و دینی مانند: خاورنامه، رموز حمزه.
تخیلی، وهمی	داستانهای تخیلی بی هیچ گونه ریشه تاریخی و قهرمانان غیرواقعی مانند: امیر ارسلان، ملک بهمن، هزار و یک شب، بدیع الزمان، نوش آفرین، گوهر تاج، سیف الملوک و بدیع الجمال.
عاشقانه	داستانهای عاشقانه که در آن ها زمینه هایی چون نیکی و احسان، انتقاد اجتماعی و اخلاقی به چشم می خورد. مانند: چهار درویش، مکر زنان و هفت پیکر.
پند و اندرز	داستانهای پند آموز و حکمت آمیز یا حکایت ها در قالب تمثیل مانند: چهل طوطی، درودگر و جولاهه و دختر پادشاه عمان، دزد و قاضی و قاضی که از خرمن گل به زیر افتاد.
چکامه در چکامه	چکامه در چکامه با تم معنویت و اخلاق مانند بختیارنامه و هفت وزیر که زنان در داستانها نقش عمده ای دارند .

برای حفظ و نگهداری نوشته ها، قصه خوانی و داستان گوئی در دربار شاهان رواج داشته است، اما تا زمانی که پدیده های جدیدی چون رادیو و تلویزیون، و سایر وسایل ارتباط جمعی وظیفه سرگرم کردن مردم را به عهده نگرفته بودند، هنر قصه خوانی در میان مردم محبوبیت فراوان داشت و به همین سبب مهارت خاصی می طلبید. هم اکنون در برخی نقاط با وجود نفوذ فضای مجازی سنت ها و آداب و رسوم از اهمیت بیشتری برخوردار است، و قصه خوانی رواج دارد.

۶. پیشنهادات

یکی از دلایل رویکردهای میدانی در عرصه پژوهش های علمی، حاصل درک ضروریاتی است که اگر فرهنگ جامعه ای را به پرنده ای تشبیه کنیم، فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه (یا غیر رسمی)، دو بال آن پرنده هستند. نقد در نبود اطلاعات روش شناسی کافی درباره کار گردآوری بوده است که باید بدان توجه شود. تبیین این مطلب که جنبه ها و مسایل اخلاق حرفه ای در پژوهش میدانی این که پژوهش با چه هدفی انجام می شود و ممکن است چه پیامدهایی برای مردم موضوع پژوهش، پس از انتشار نتایج آن، داشته باشد. به ویژه که باید توجه داشت بر خلاف تصور رایج، فرهنگ عامیانه بسیار پر معنا بوده و گاه تنها ابزار برای مقاومت مردم در برابر فشارهای ناخواسته و چالش ها محسوب می شده است. بنابراین، فولکلور و اثر آن در فهم و درک مردم جامعه و فرهنگ زبان شناسی نیازمند تحقیق و کنکاش بیش از پیش است. شناخت و شناساندن گفتار عامیانه و فولکلوریک مردم کوچه و بازار و باسواد و کم سواد کار ترویج و نشر کتاب و کتابخوانی را راحت تر می کند.

نتیجه

در کنار درک محدود از اصطلاح مردم یا عامه است، که مفهوم فولکلور چنان واضح و روشن نیست و می توان به تعاریفی اشاره کرد که در تعریف واژه فرهنگ، معنی فولکلور را هم جلوه گر سازد. گروهی ادبیات و هنر و سایر دستاوردهای معنوی را مترادف فرهنگ می دانند و برخی تعریفی عامتر از آن را مورد نظر قرار داده، مؤلفه های مادی جامعه را ردیف آن بیان می کنند. با همه تفاوت ها درباره شیوه انتقال فرهنگ عامه، فولکلور به آن بخش از دانش و هنر گفته می شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود؛ همچنان که. نمونه هایی بسیار از شاهکار ادب فارسی که جنبه تعلیمی دارند، با زبان عامه مردم عجین شده اند. در این راستا، گلستان سعدی، مثنوی مولانا جلال الدین ارتباط بیشتری دارند. از دید انسان شناسان، در مطالعات ادبیات عامیانه آن چه کمتر به آن توجه شده است، موقعیت پژوهش در ادبیات فولکلوریک در ایران پس از انقلاب است که رابطه تنگاتنگی با موقعیت کنونی ارزیابی عمومی نسبت به داستان های عامیانه دارد. جایگاه ادبیات عامه در روند رو به توسعه و فضای مجازی حاکم بر جامعه، با نوع قصه ها، نوشتن ها و جولان موسیقی در اشکال متعدد، نوع از سرگرمی هاست که شکل این پدیده جالب و جذاب عامه پسند را در همگامی یا همخوانی با ادبیات عامه، نیازمند بررسی ساختاری توأم با راهکار های عملی مجاز می سازد. خلاصه اینکه، رخداد تحولات پی در پی، نباید سبب غفلت از فرهنگ عمومی گذشته شود.

به شادی مرا نیز یاد آورید

بکشید و با مهر، داد آورید

منابع

۱. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران: فردوسی
۲. انجوی شیرازی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران
۳. کتیرایی، محمود. (۱۳۷۰)، از خشت تا خشت، تهران: نشر ثالث
۴. مارزولف، اولریش، (۱۳۷۱)، طبقه بندی قصه های ایرانی، مترجم کیکاووس جهانداری، تهران
۵. بیرو، آلن، (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ نخست، تهران
۶. خلیقی، محمود، (۱۳۵۷)، فرهنگ عامه، خصوصیات، کنش و نقش آن، فصلنامه فرهنگ و زندگی، ش ۲۵ و ۲۶ بهار و تابستان
۷. شمیسا، سیروس، (۱۳۶۶)، انواع ادبی، تهران: سمت